

وضعیت ایدئولوژیک
در چین پیچیده
است. ایدئولوژی
رسمی مورد حمایت
حکومت چین با
ارزش‌های سنتی
رایج مورد حمایت
مردم عادی ناسازگار
است. علاوه بر این،
حتی مارکسیسم،
ایدئولوژی رسمی
که در ظاهر مدیریت
داخلی را هدایت
می‌کند نیز با
فرهنگ سنتی چینی
که به سیاست
خارجی جهت
می‌دهد، تفاوت
دارد.

مداخله در امور داخلی تلقی نمی‌شوند.^{۴۹}
در مقایسه میان عدالت و دموکراسی مشاهده می‌شود که عدالت، برای
ارتقای انصاف اجتماعی ارزنده‌تر است؛ درعین حال، عدالت، دموکراسی
را دفع نمی‌کند بلکه از آن حمایت می‌کند. در واقع، عدالت می‌تواند از
دموکراسی به عنوان اسبابی برای دستیابی به انصاف اجتماعی بیشتر و
جلوگیری از نتایج ناعادلانه نیز استفاده کند. جان رالز فیلسوف آمریکایی
دو اصل را برای عدالت مطرح می‌کند: اصل اول آزادی و برابری و اصل
دوم ترکیب فرصت‌های برابر و رفتار تفکیک شده است. هدف اصل دوم
دستیابی به عدالت بر مبنای ارزش انصاف است که فقط با دموکراسی قابل
تحقق نیست؛^{۵۰} بنابراین ضمن ضرورت اطمینان از این نکته که اقدامات
دولت‌های برتر که از طریق رویه‌های دموکراتیک انجام می‌شوند مشروع
هستند، لازم است با ارزیابی اقدامات برحسب اصل درستکاری اطمینان
حاصل شود که نتایج اقدامات آن‌ها نیز عادلانه است؛ به عنوان مثال با
تشدید قطبی شدن جهان میان غنی و فقیر به دلیل فرایند جهانی سازی،
تحقق اصل توسعه و پیشرفت فراگیر در زمانه ما ایجاب می‌کند که اصل
عدالت بر اصل دموکراسی اولویت داده شود. اصل دموکراسی به تنهایی فقط
تضمین می‌کند که هر کشوری، صرف نظر از ثروتش، حق تصمیم‌گیری
در باره برنامه توسعه خودش را دارد. در مقابل، اصل عدالت از کشورهای
توسعه‌یافته می‌خواهد که ۷ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) خود را
به دولت‌های در حال توسعه اختصاص دهند تا این کشورها بتوانند بر
وضعیت قطبی شده غلبه کنند یا آن را کاهش دهند.^{۵۱}

آزادی در آغوش آداب

آزادی نیز یکی از ارزش‌های محوری لیبرالیسم
است. میل به آزادی که ریشه در صفات ذاتی
انسان دارد، در میان همه جانوران غریزی است.
این نیاز اولیه توجیه مشروعی برای آزادی در جامعه انسانی فراهم می‌کند،
همان طور که میل انسان به عمر طولانی برای حق حیات توجیه مشروعی
فراهم می‌آورد. اما انسان‌ها گونه‌ای اجتماعی هستند که اجتماع پیش شرطی
برای بقای آن‌هاست؛^{۵۲} با این حال، ساختن یک نظم اجتماعی مستلزم
قربانی کردن میزان خاصی از آزادی در برابر هنجارهایی است که رفتار فرد را
تنظیم می‌کنند.^{۵۳}

تنش میان آزادی فردی و تحکیم نظم اجتماعی، در هر دو نظام داخلی و
بین‌المللی وجود دارد. هنجارهای اجتماعی را می‌توان در یک نظام داخلی
از طریق انحصار زور پیاده کرد، اما اگر بازیگران از چنین قابلیت‌هایی برای
حفاظت از منافع خود در نظام بین‌المللی استفاده کنند، حتماً خشونت و